



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



داود مہرورز

# بہائیت

از دید گاہ محققان ایرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بہائیت از دیدگاه محققان ایرانی

نویسنده:

داوود مهرورز

ناشر چاپی:

نشریه زمانه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	بهائیت از دیدگاه محققان ایرانی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	محمد جواد شیخ الاسلامی
۷	احمد کسروی
۷	اسماعیل رائین
۸	فریدون آدمیت
۹	محمد رضا فشاھی
۱۰	احسان طبری
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## بہائیت از دیدگاه محققان ایرانی

### مشخصات کتاب

عنوان: بہائیت از دیدگاه محققان ایرانی

پدید آورنده: داود مہرورز

نشریہ: زمانہ

شمارہ نشریہ: ۶۱

سال: ۱۳۸۶

ماہ: ۷

تعداد صفحہ: ۲۵ - ۲۸

زبان: فارسی

موضوع: بررسی اشتراک نظر مورخان و محققان در مورد بہائیت و وابستگی آن بہ استعمار

### مقدمہ

اختلاف در نظر و تحلیل ہموارہ وجود داشته و مورخان و محققان را بہ دستہ‌های مختلفی تقسیم و دستہ‌بندی نمودہ است، اما در کنار اختلافات، مشترکاتی نیز وجود دارد کہ باید بہ آن‌ها توجہ نمود، در این صورت شناخت بہتری از تحولات مورد بررسی حاصل می‌آید. نکته‌ای کہ در خصوص بہائیت در خور تأمل است اشتراک نظر و توافق مورخان و محققان (با وجود گرایش‌های متنوع سیاسی و فکری) در وابستگی سران بہائیت بہ استعمار می‌باشد. مقالہ‌ی پیش‌رو، اشتراک نظر آن‌ها را نشان دادہ است. مورخان و محققان ایرانی دربارہ‌ی وجود پیوند میان باب و باییت نخستین با کانون‌های استعماری، دو نظر متفاوت ابراز کردہ‌اند. عدہ‌ای از آن‌ها، با استناد بہ دستہ‌ای از قرائن و شواہد تاریخی، کہ بہ سادگی نمی‌توان از کنار آن‌ها عبور کرد، قدرت‌های استعماری را در ایجاد و پیدایش اصل جنبش بایبگری دخیل و مؤثر می‌دانند و عدہ‌ای دیگر، باییت را، در بنیاد، جنبشی خودجوش شمرده و بر این باورند کہ مداخلہ‌ی قدرت‌های استکباری در این جنبش، پس از شروع و گسترش آن بودہ است. مورخان و محققان یاد شدہ، اما، نوعاً دربارہ‌ی دست داشتن دولت استعماری در ایجاد بہائیت (یا دست کم: تقویت و پیشبرد آن) تقریباً متفق‌اند و حتی بسیاری از کسانی کہ «بایبگری» را جنبشی بہ اصطلاح خلقی و انقلابی شمرده، دربارہ‌ی «بہائیت» تصریح کردہ‌اند کہ از اساس، ریشہ‌ای استعماری داشته است. در این زمینہ بہ دیدگاہ گروہی از مورخان معاصر - کہ با وجود تعلق بہ گرایش‌ها و جناح‌های مختلف فکری و سیاسی، نسبت بہ بہائیت، نگاہی واحد: نگاہ منفی، دارند - اشارہ شدہ است.

### محمد جواد شیخ الاسلامی

دکتر شیخ الاسلامی - استاد فقید دانشگاہ و نویسنده و مترجم پر اطلاع معاصر - خاطرات سیاسی سر آرتور ہاردینگ (استاد اعظم فراماسونری، و وزیر مختار بریتانیا در ایران زمان مظفرالدین شاہ) را بہ فارسی ترجمہ کردہ و بر آن تعلیقاتی افزودہ است. مستر ہاردینگ در بخشی از خاطرات خود، با لحنی جانب دارانہ، از بایبان و بہائیان یاد کردہ و جناب شیخ‌الاسلامی با تعریض بہ حمایت سفیر بریتانیا از آنان نوشتہ است: «در آن عرض یکصد سال اخیر، بایبان و بہائیان ایران ہمیشہ از خط مشی سیاسی انگلستان در

شرق پیروی کرده‌اند و ستایش وزیر مختار انگلیس از آن‌ها امری است کاملاً طبیعی.» [۱].

## احمد کسروی

احمد کسروی، از کسانی است که با بهائیان از نزدیک بحث و گفت و گو داشته و آثارشان را بررسی و نقد کرده است. وی، رهبری بهائیت را در آغاز پیدایش، بسته و پیوسته به استعمار تزاری دانسته، و در ادوار بعد (مشخصاً در اواخر جنگ جهانی اول) با امپراتوری بریتانیا در پیوند شمرده است. چنان که متقابلاً- رهبری گروه ازلیان (میرزا یحیی صبح ازل، برادر کوچک بهاء) به قبله لندن نماز می‌گزارده است. کسروی نوشته است: «آنچه دانسته‌ایم [حسینعلی] بهاء در تهران با کارکنان سیاسی روس به همبستگی می‌داشته، و این بوده چون به زندان افتاد روسیان به رهایی‌اش کوشیده و از تهران تا بغداد غلامی از کنسول خانه همراهش گردانیده‌اند. پس از آن نیز دولت امپراتوری روس در نهان و آشکار هواداری از بهاء و دسته‌ی او نشان می‌داده. این است در عشق آباد و دیگر جاها، آزادی به ایشان داده شد. از آن سو انگلیسیان به نام هم چشمی که در سیاست شرقی خود با روسیان می‌داشتند، به میرزا یحیی صبح ازل که از بهاء جدا گردیده دسته‌ی دیگری به نام ازلیان داشت، پشتیبانی می‌نموده‌اند. به ویژه پس از آن که جزیره‌ی قبرس، که نشیمنگاه ازل می‌بود، به دست ایشان افتاده که دلبستگی‌شان به او و پیروانش بیشتر گردیده. چاپ کتاب نقطه «الکاف» که پرفسور براون به آن برخاسته و آن «مقدمه» دلسوزانه‌ای که نوشته، اگر چه عنوانش دلسوزی به تاریخ و دلبستگی به آشکار شدن آمیغ‌های تاریخ است، ولی انگیزه‌ی نهانی‌اش پشتیبانی از ازل و بایان می‌بوده. سال‌ها چنین می‌گذشته و از دو دسته، آن یکی پشتیبانی از روسیان می‌دیده و این یکی از هواداری انگلیسیان بهره می‌جسته، و این پشتیبانی و هواداری در پیشامدهای درون ایران نیز.... [بی‌تأثیر] نمی‌بوده، تا هنگامی که جنگ جهانی گذشته [جنگ جهانی اول] پیش آمده. چون در نتیجه‌ی آن جنگ، از یک سو دولت امپراتوری روس با سیاست‌های خود برافتاد و از میان رفت و از یک سو دولت انگلیس به فلسطین، که عکا کانون بهائیگری در آنجاست، [۲] دست یافت. از آن سوی تا این هنگام میرزا یحیی مرده و دستگاه او به هم خورده و ازلیان، چه در ایران و چه در دیگر جاها، سست و گمنام گردیده بودند. این پیشامدها آن حال پیش را از میان برده است. یکی از داستان‌هایی که دستاویز به دست بدخواهان بهائیگری داده و راستی را داستان ننگ آوری می‌باشد آن است که پس از چیره گردیدن انگلیسیان به فلسطین، عبدالبهاء درخواست لقب سر (Sir) از آن دولت کرده و چون داده‌اند، روز رسیدن فرمان و نشان در عکا جشنی برپا گردانیده و موزیک نوازیده‌اند و در همان بزم پیکراهی برداشته‌اند. پیداست که عبدالبهاء این را شوندد پیشرفت بهائیگری و نیرومندی بهائیان پنداشته و کرده، ولی راستی را جز مایه‌ی رسوایی نبوده است و جز به ناتوانی بهائیان نتواند افزود.» [۳]

. دیدگاه فوق را، کسروی در تاریخ مشروطه «خود نیز، آنجا که در پی تحلیل چرایی و چگونگی حمایت ازلیان از مشروطه و حمایت بهائیان از استبداد می‌باشد، بازتاب داده است: «ما اگر بخواهیم همبستگی‌ای را که میان بهائیان و ازلیان - دو گروه منشعب از فرقه‌ی بابیه - باد مشروطه بوده، به راستی روشن گردانیم، باید بگوییم: بهائیان هواخواه خودکامگی و ازلیان هواخواه مشروطه بودند... در جنبش مشروطه، چون دولت انگلیس هواخواه آن می‌بود، ازلیان پا به میان نهادند. ما تنها در اینجا نام خاندان دولت آبادی را می‌بریم. حاجی میرزا هادی - پدر یحیی دولت آبادی - بزرگ این خاندان، نماینده‌ی صبح ازل در ایران بود. از آن سوی، چون دولت امپراتوری روس، دشمنی با مشروطه نشان می‌داد، بهائیان با دستور عباس افندی عبدالبهاء، خود را از مشروطه کنار گرفته از درون هواخواهان محمدعلی میرزا می‌بودند.» [۴].

## اسماعیل رائین

رائین، کتابی خواندنی با عنوان «انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی» دارد که ضمن شرح انشعاب‌ها و دودستگی‌های

متعدد و مستمر در بین بابت و بهائیت، وابستگی آنان به بیگانگان (روس‌ها، انگلیسی‌ها، امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها) را به طور مستند بازگو کرده است. اسماعیل راین نیز (همچون کسروی) معتقد است که در تحولات و انشعابات که پس از قتل علی محمد باب در میان یاران و هواداران وی رخ داد، بهائی‌ها سهم روس تزاری شدند و ازلی‌ها، به ویژه پس از سلطه‌ی انگلیسی‌ها بر قبرس (و بیرون آوردن آن از چنگ عثمانی) در سهم لندن قرار گرفتند. [۵] راین این گروه‌ها را مورد توجه خاص و حمایت ویژه‌ی بیگانگان دانسته و معتقد است رهبری بهائیت، از آغاز تا امروز، مجموعاً بین روس تزاری، انگلیس و امریکا دست به دست شده است: «از سیصد سال قبل تاکنون، خارجیان همیشه به فرقه‌های مذهبی در ایران و خاورمیانه توجه خاصی داشتند و حمایت از آنان را از اصول سیاست خود می‌شمرده‌اند.» از جمله‌ی این اقلیت‌ها تشکیل فرق مختلف بابی، ازلی و بهایی و همچنین فرقه‌ی اسماعیلیه را می‌توان نام برد. چنان که می‌دانیم، پس از ایجاد دودستگی میان پیروان سید علی محمد باب، صبح ازل به ریاست ازلیان و میرزا حسینعلی بهاء الله به ریاست فرقه‌ی بهایی رسیدند. به طوری که در اسناد و مدارک بایگانی عمومی انگلیس و بایگانی عمومی هند دیده می‌شود و همچنین بسیاری از مورخان خارجی نیز نوشته‌اند، این دو فرقه در بدو تأسیس از پشتیبانی خارجیان برخوردار بوده‌اند. لرد کرزن، سیاستمدار مشهور انگلیسی، در کتاب ایران و مسئله‌ی ایران تصریح می‌کند: صبح ازل که در قبرس سکنی داشت، مقرری خاصی از حکومت انگلستان دریافت می‌نمود و در عین حال روس‌ها هم از وی حمایت می‌کردند. چنان که تا اواخر انقراض حکومت روسیه تزاری، دربار سلطنتی روس از هیچ‌گونه کمک و جانب‌داری از بهائیان مضایقه نمی‌کرد و در مقابل قبرس، عشق‌آباد کانون بهائیان شد. ولی با سقوط حکومت تزاری و تسلط انگلیس‌ها بر سرزمین فلسطین و تنزل مقام و موقعیت و کاهش سازمان ازلیان، انگلیس‌ها لقب سر را به پیشوای بهائیان دادند و چنین وانمود کردند که بهائیان از حمایت آنان برخوردارند. اما به تدریج که بهائیان توسعه و نفوذ جهانی پیدا کردند، به جانب امریکاییان روی آوردند و با گسترش دامنه‌ی بهائیت در امریکا، در این سرزمین پهناور به فعالیت پرداختند و از انگلیسی‌ها روی برتافتند. [۶].

## فریدون آدمیت

دیدگاه دکتر فریدون آدمیت، به ویژه نسبت به بهائیان، به شدت منفی است. از نظر او، دو مسلک بهائیت و ازلیت، که از بابت انشعاب شده، دو «مذهب سیاسی» هستند که طی تاریخ، با استعمار روس و انگلیس در پیوند بوده و از لطف و حمایت آن‌ها بهره داشته‌اند. وی با اشاره به درگیری و اختلاف بین پیروان باب، و تفرقه‌ی آنان به دو گروه بهائی (هوداران میرزا حسینعلی بهاء) و ازلی (میریدان میرزا یحیی صبح ازل)، خاطر نشان ساخته است: «در اوایل سال ۱۲۸۵. ق بهاء الله و اتباعش را به عکا، و صبح ازل و اصحابش را به جزیره‌ی قبرس، که در آن موقع جزء امپراتوری عثمانی بود، فرستادند. میرزا حسینعلی کاغذی از ادرنه به ناصرالدین شاه می‌نویسد و در آن، شاه را ظل الله فی الارضین خطاب می‌کند و خود را عبد ذلیل می‌خواند و این پیشوای مذهبی النجا و انابت می‌کند که اجازه داده شود به ایران باز گردد (عین این نامه فعلاً در یکی از کتابخانه‌های بزرگ اروپا موجود می‌باشد). کرزن نیز از صبح ازل یاد کرده می‌نویسد: «فعلاً- در جزیره‌ی قبرس می‌باشد و دولت انگلیس یک مقرری درباره‌ی او و اتباعش برقرار نموده است.» چنان که ملاحظه می‌گردد، ازلیان (بابیان) به حمایت انگلیس پشت گرم، و روس‌ها نیز میرزا حسینعلی و بالنتیجه بهائیان را زیر حمایت گرفته بودند و به همین جهت است که ادوارد براون به طبع «نقطه الکاف» [از کتاب‌های تاریخی کهن بایه] که جانشینی صبح ازل را ثابت کرده و مقام میرزا حسینعلی را غصبی می‌نماید، دست یازیده و یک مقدمه‌ی پر آب و تابی بر آن نوشته که اگر درست در آن دقت شود، از یک دست، بابی‌ها را حمایت نموده، غم آنان را می‌خورد و از دست دیگر، بهائیان را تحقیر کرده پرده از روی مقام غصبی آنان بر می‌دارد. انسان وقتی که کتاب یک سال در میان ایرانیان تألیف ادوارد براون را مطالعه می‌کند می‌بیند این مرد دانشمند انگلیسی چگونه با عبا و ردا و تسبیح و سجاده در ایران مسافرت کرده و در یزد و کرمان به تریاک



کشیدن نیز مشغول شده و بیشتر مصاحبت خود را با مردم عوام می‌کند و محور صحبت او در همه جا و همه وقت از بایبگری می‌باشد، آن وقت می‌فهمد این افسر آزموده‌ی انگلیسی چقدر در نشر عقاید بایبگری کوشیده و چه خدمت بزرگی به دولت خود کرده است. به همین جهت والتین چیرول، مخبر معروف روزنامه‌ی تایمز، که از جمله کسانی بود که در مورد پیمان نحس ۱۹۰۷، وزارت خارجه‌ی انگلیس با وی مشورت کرد، در کتاب معتبر خود مسئله‌ی شرق وسطی<sup>۷</sup> یا چند مسئله سیاسی راجع به دفاع هندوستان، بهائیان را جاسوس روس‌ها معرفی می‌کند. وی کاپیتان تومانسکی را از مبارزترین مأموران و عاملان آن دولت قلمداد می‌نماید، و حتی اشاعه‌ی بایبگری را نتیجه‌ی علاقه‌ی روس‌ها و اقدام در انتشار آثار آنان می‌داند. این مورخ معتبر اضافه می‌کند که تومانسکی در این راه به دولت متبوع خود خدمت کرد. ما هم با همین سنخ استدلال، ادوارد براون انگلیسی را از کسانی می‌دانیم که مأموریت‌های رسمی در اشاعه‌ی این مذهب سیاسی داشته است و با انتشار آثار بابی‌ها و نوشتن مقالات متعدد درباره‌ی آن‌ها مساعی زیادی به خرج داده. جنگ بین‌المللی گذشته در سرنوشت بابی‌ها مؤثر گردید و سقوط حکومت تزار به عمر حمایت آنان از بهائیان خاتمه بخشید. از آن طرف سرزمین فلسطین به دست انگلیس‌ها افتاد و بهائیان را به سوی خود کشیدند.» [۷].

### محمدرضا فشاهی

محمدرضا فشاهی، البته نسبت به جنبش بایبیت نخستین، دیدگاهی مثبت داشته و به رغم انتقاد از شخص باب، به عنوان کسی که «با وجود تسلط [!؟] بر فلسفه و عرفان، از آیین سیاست و مبارزه‌ی اجتماعی، آگاهی چندانی نداشت و به نوشتن رساله و بزرگداشت طلسمات و بازی با اعداد دل خوش کرده بود»، فصلی از کتاب خویش (از گات‌ها تا مشروطیت) را با لحنی جانب دارانه به موضوع باب و آشوب هواداران وی در زمان محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار اختصاص داده و از آن‌ها با عنوان «نهضتی انقلابی» یاد کرده است. دیدگاه فشاهی در مورد فرقه‌ی بهائیت، اما، از اساس، سخت منفی است و آن را از بایبیت (نخستین) جدا کرده و به عنوان گروهی ارتجاعی و وابسته به قدرت‌های بیگانه، آماج انتقاد و حمله ساخته است. به اعتقاد وی: دو دستگی میان بایبان (پس از مرگ باب) و تقسیم آن‌ها به دو گروه «ازلین» (به ریاست یحیی صبح ازل) و «بهائیان» (به ریاست حسینعلی بهاء) یکی از عوامل مهم شکست جنبش بایبه بود. زیرا به اعتقاد او: «این واقعه»، نیروی بایبان را تحلیل برد» و پس از آن: «صبح ازل روحیه‌ی انقلابی را رها نمود و گوشه‌ی عزلت اختیار نمود و به پیروان اندکش، بسنده کرد و دست از مبارزه با قاجاریه کشید... از طرف دیگر، بهاء الله نیز به دامن سیاست‌های بیگانه (روس و انگلیس) پناه برد و زیرکانه جنبه‌های انقلابی نهضت را تضعیف نمود و «اخلاق» را به جای آن قرارداد و با ناصرالدین شاه از در سازش درآمد. او به پیروان خود سفارش می‌نمود که: «باید کشته شدن را بر کشتن ترجیح داد» و در دورانی که «ناسیونالیزم» ایرانی، برای مبارزه با تسلط سیاسی و اقتصادی بیگانه و نیز حکومت فنودال محلی دست نشانده‌ی آن، به منزله‌ی یکی از حیاتی‌ترین سلاح‌های توده و روشنفکران ایران بود، به مبارزه با این سلاح پرداخت و گفت: «لیس الفخر لمن یحب الوطن بل الفخر لمن یحب العالم» [حب وطن افتخاری ندارد، حب جهان افتخار دارد!] و بدین وسیله «جهان وطنی» را رسماً تأیید نمود و سرانجام در یکی از الواح خود (لوح سلطان)، خود را «غلام و عبد» و «ناصرالدین شاه» را «ملیک زمان» اعلام نمود. بعدها جانشین او، عباس افندی، رسماً به دفاع از محمدعلی شاه در مقابل مشروطه خواهان برخاست و در یکی از الواح خود چنین نوشت: طهران، حضرت ایادی امر الله، حضرت علی قبل اکبر علیه بهاء الابهی (هو الله) ای منادی پیمان، نامه‌ای که به جناب منشادی (حاجی سید تقی) مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید و به دقت تمام مطالعه شد... از انقلاب ارض طا (تهران) مرقوم نموده بودید، این انقلاب در الواح مستطاب مصرح و بی‌حجاب، ولی عاقبت سکون یابد و راحت جان حاصل شود... و سریر سلطنت کبری در نهایت شوکت استقرار جوید و آفاق ایران به نورانیت عدالت شهریاری (محمدعلی شاه) روشن و تابان گردد... مکدر مگردید، جمع یاران الهی را به اطاعت و انقیاد و صداقت و خیرخواهی به سریر تاجداری دلالت نمایید، زیرا به نص قاطع الهی، مکلف بر آن‌اند....

باری، گوش به این حرف‌ها مدهید و شب و روز به جان و دل بکوشید و دعای خیر نمایید و تضرع و زاری فرمایید تا... در جمیع امور نوایای خیریه‌ی اعلیحضرت شهریار و واضح و مشهور، ولی نوهوسانی (مشروطه‌خواهان) چند گمان نمایند که کسر نفوذ سلطنت، سبب عزت ملت است. هیئات، هیئات، این چه نادانی است... اعلیحضرت شهریار الحمدلله شخص مجرب‌اند و عدل مصور؛ عقل مجسم و حلم مشخص... والسلام علی من اتبع الهدی، ۱۱ ج ۱ سنه ۱۳۳۵ [قمری] ع.ع. فشاهی در ادامه افزوده است: «سیاست دفاع از محمد علی شاه و دولت روس تزاری تا هنگام پیروزی مشروطه خواهان و فرار محمد علی شاه ادامه یافت و پس از آن، این فقه یکسره در دامن دولت انگلیس در غلطید.» [۸].

## احسان طبری

احسان طبری، از مخالفت حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیت) با «تعصبات ملی و دینی»، که بهائیان بدان افتخار می‌کنند، تلقی مثبتی نداشته و این آموزه را موجب بدآموزی‌هایی چون انصراف ملت‌ها از مبارزات اجتماعی - سیاسی خویش، و تعطیلی هر گونه قیام و جنگ (اعم از دفاعی یا تجاوزی) از سوی آنان، دانسته است. به نوشته‌ی طبری: «بهاء الله اعلام داشت که همه‌ی افراد بشر بار یک دار و برگ یک شاخسارند و با تعصبات ملی و دینی مخالفت ورزید... بر اساس اصل اخوت عمومی افراد بشر و نفی تعصب، به ناچار بهائیه با مبارزه‌ی اجتماعی، مخالفت با دولت، نبرد طبقاتی، قیام و انقلاب، جنگ اعم از دفاعی یا تجاوزی مخالف‌اند و این توصیه صلح کل در واقع به توصیه‌ی انصراف از نبرد طبقاتی می‌انجامد و به بهائیکاری رنگ جهان وطنی و صلح‌گرایی منفعلی می‌دهد. به همین جهت برخی بهائیکاری را ایدئولوژی قشر لال بورژوازی (کمپرادر) می‌دانند که سازش با دولت وقت و سازش با استعمار طلبان، لازمه‌ی ادامه‌ی کسب آن‌ها است.» طبری، در ادامه‌ی مطلب، از روابط عباس افندی (جانشین حسینعلی بهاء) پس از فروپاشی عثمانی و سیطره‌ی بریتانیا بر فلسطین) با مقامات انگلیسی سخن گفته و نوشته است: «درباره‌ی رابطه‌ی محافل بهائی با امپریالیسم انگلستان و امریکا مطالب زیادی گفته می‌شود. جهانی وطنی بهائیان و عقاید ضد انقلابی آن‌ها و دوری آن‌ها از مذهب مسلط در کشور ما وجود مراکزی از آن‌ها در امریکا و اروپا و کیفیت نیمه مخفی کار آن‌ها و همبستگی درونی آن‌ها، همه و همه به این شایعات مایه می‌دهد. آنچه که مسلم است نمی‌توان هر بهائی را یک عامل بیگانه دانست، ولی در وجود رابطه مابین مراکز عمده‌ی بهائی، مانند مراکز داشناک و صهیونیست (صهیونیسم) با محافل امپریالیستی تردیدی نیست و می‌توان حدس زد که سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی از قبیل سیا و اینتلجنس سرویس از سازمان بهائی برای مقاصد خود استفاده می‌کنند...» احسان طبری در پایان خاطر نشان ساخته است: «بانو بهیه ربانی، سازمانگر عمده‌ی محافل روحانی بهائی (پس از شوقی افندی) در مصاحبه‌ای که در تابستان ۱۹۷۶ با روزنامه‌ی فرانسوی «لوموند» کرد، تأکید نمود که بهائیان همه‌جا به دولت‌های موجود و قوانین موجود احترام می‌گذارند و در کادر آن عمل می‌کنند. مخبر لوموند پرسیده که آیا در افریقای جنوبی محافل بهائی وجود دارد و چون پاسخ شنید آری، این سؤال بجا را مطرح کرد که مابین شعار برادری انسانی بهائیان و احترام به قوانین نژادگرایانه‌ی رژیم آپارتاید در پرتوریا چه تناسبی می‌تواند وجود داشته باشد؟ البته بانو ربانی به این سؤال نتوانست پاسخ مقنع بدهد و از آن طرفه رفت. بهائیان که خلق و میهن خود را دوست دارند باید با دیدگان باز از افتادن در دام عمال امپریالیستی هم کیش خود که از اعتقاد آن‌ها به سود مراکز اساسی جنایت و دزدی جهانی استفاده می‌کنند، پرهیزند.» [۹]. آنچه گذشت، نمونه‌ای بود از افکار و آراء نویسندگان و محققان ایرانی معاصر (از جناح‌ها و گرایش‌های مختلف و حتی متضاد فکری و سیاسی) راجع به ماهیت استعماری بابت و بهائیت، که مؤید آن را می‌توان در کلام بسیاری دیگر از پژوهشگران و نویسندگان این سرزمین نشان داد، همچون: دکتر عبدالحسین نوایی، [۱۰] مهدی بامداد، [۱۱] حسن اعظام قدسی «اعظام الوزاره»، [۱۲] محمود محمود، [۱۳] سید احمد خان ملک ساسانی [۱۴]، ابوالفضل قاسمی، [۱۵]، سید محمد باقر نجفی، [۱۶] بهرام افراسیابی، [۱۷] دکتر علی اکبر ولایتی، [۱۸] دکتر

عبدالهادی حائری، [۱۹] دکتر یوسف فضایی، [۲۰] ابوالفضل شکوری، [۲۱] دکتر سید سعید زاهد زاهدانی، [۲۲] عبدالله شهبازی، [۲۳] حسین آبادیان، [۲۴] مصطفی آیت مهدوی، [۲۵] رضا زارع، [۲۶] و بسیاری افراد دیگر.

## باورقی

- [۱] خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، ترجمه شیخ الاسلامی، چ ۱، ص ۱۰۲.
- [۲] از زمان عباس افندی (جانشین میرزا حسینعلی بهاء)، مرکز بهائیت از عکا به حیفا (هر دو، واقع در اسرائیل کنونی) انتقال یافت - ع. منذر.
- [۳] بهائیکری، تهران، ۱۳۲۳، چاپخانه پیمان، صص ۸۹ - ۹۰.
- [۴] تاریخ مشروطه ایران، چاپ ۵: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۰. ش، ص ۲۹۱.
- [۵] انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، اسماعیل رائین، مؤسسه تحقیقی رائین، تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۹۱.
- [۶] حقوق بگیران انگلیس در ایران، صص ۳۳۲ - ۳۳۳.
- [۷] ر. ک: امیرکبیر و ایران، با مقدمه محمود محمود، چاپ اول: انتشارات بنگاه آذر، تهران ۱۳۲۳، قسمت اول، صص ۲۵۶ - ۲۵۸؛ همان: متن کامل، چاپ دوم: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران ۱۳۳۴، صص ۲۰۷ - ۲۰۸. آدمیت در چاپ پنجم این کتاب (چاپ شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۵، ص ۴۵۷) گفتار فوق را تلخیص کرده و با اشاره به ماجرای اعطاء لقب سر و نشان دولتی از سوی لرد آللنبی (حاکم انگلیسی حیفا) به عباس افندی، می‌افزاید: «از آن پس عنصر بهائی چون عنصر جهود، به عنوان یکی از عوامل پیشرفت سیاست انگلیس در ایران درآمد. طرفه اینکه از جهودان نیز کسانی به آن فرقه پیوسته‌اند، و همان میراث سیاست انگلیس به آمریکائیان نیز رسیده» است.
- [۸] ر ک: از گاتها تا مشروطیت، محمدرضا فشاھی، فصل: نهضت باب؛ رنسانس و رفرماسیون»، ص ۲۱۶ به بعد.
- [۹] جامعه ایران در دوران رضا شاه، احسان طبری، صص ۱۱۷ - ۱۱۹. ]
- [۱۰] ر ک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب، توضیحات و مقالات به قلم عبدالحسین نوایی، چاپ ۲، تهران، بابک، ۱۳۵۱، صص ۲۰۳ - ۲۰۴.
- [۱۱] مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۲، صص ۲۰۱ - ۲۰۲.
- [۱۲] خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۰۲ به بعد.
- [۱۳] محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، چ ۴، تهران، اقبال، ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۵۲۸ - ۵۲۹.
- [۱۴] خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، چ ۳، تهران، بابک با همکاری انتشارات هدایت، بی تا، صص ۱۰۲ - ۱۰۳.
- [۱۵] الیگارشی یا خاندانهای حکومتگر ایران، ج ۴: خاندان هویدا، گماشته صهیونیسیم و امپریالیسم، تهران، رز، ۱۳۵۷.
- [۱۶] بهائیان، چاپ ۲، تهران، مشعر، ۱۳۸۳، فصل: حمایت سیاستهای خارجی از بهائیت، ص ۵۸۸ به بعد.
- [۱۷] بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت (نوماسونی)، ص ۴۰۶ به بعد.
- [۱۸] علی اکبر ولایتی، ایران و تحولات فلسطین ۱۳۱۷ - ۱۳۵۷. ش ۱۹۳۹/ - ۱۹۷۹. م، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارج، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹ به بعد.
- [۱۹] عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۹۰.

- [۲۰] یوسف فضایی، تحقیق در تاریخ و عقاید شیخیگری، بایگری، بهائیگری... و کسروی گری، تهران، عطایی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۴-۱۹۷.
- [۲۱] ابوالفضل شکوری، جریان شناسی تاریخ نگاریها در ایران معاصر، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱، صص ۴۸۳-۳۱۶-۳۱۷، ۳۹ و ۵۱۱.
- [۲۲] سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، چاپ ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۵ و ۲۲۴-۲۲۵.
- [۲۳] عبدالله شهبازی، «جستارهایی از تاریخ بهائیگری در ایران»، تاریخ معاصر ایران، سال ۷، ش ۲۷، پاییز ۱۳۸۲.
- [۲۴] حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰ به بعد.
- [۲۵] مصطفی آیت مهدوی، «موضع بایان، ازلیان و بهائیان درباره ملیت»، مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، مجموعه مقالات، ص ۲۷۹ به بعد.
- [۲۶] رضا زارع، ارتباط ناشناخته؛ بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۲۷ - ۱۳۵۷)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۳۶۶ به بعد.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

